



خلاصه پالیسی

ثبات و اتصال: استراتیژی دوگانه ازبکستان در قبال افغانستان

اندريو واتکینز، تیمور شاران

این خلاصه پالیسی تعامل ازبکستان با افغانستان را در سال ۲۰۲۱م و بعد از آن با توجه به ادامه خروج نیرو های نظامی ایالات متحده از افغانستان به بررسی میگیرد. این خلاصه بررسی می کند که چگونه ابهام روزافزون پیرامون خصوصیت و چارچوب زمانی خروج نیرو های امریکائی امنیت منطقوی و داخلی ازبکستان را متأثر می سازد. این خلاصه پالیسی تعامل آینده ازبکستان با افغانستان را با در نظر داشت ساحات کلیدی که اتحادیه اروپا و آسیای میانه میتوانند با افغانستان همکاری نموده و فرصت ها برای تعامل گسترده فراتر از پروسه جاری صلح را دریافت نمایند، مورد ارزیابی قرار میدهد.

کشور و تأمین روابط نزدیکتر با افغانستان نقش داشته است. این پالیسی پیش فعال منجر به ایجاد روابط فعال تر با کابل گردیده که در زیر بنای ها و برنامه ها و پروژه های اتصال ریشه دارد. تاشکند همراه با فعالین جهانی و منطقوی که برای با ثبات سازی افغانستان تلاش دارند، در پروسه صلح افغانستان نقش سازنده داشته است.

ازبکستان مساعی خود را برای نزدیکی با هر دو طرف منازعه آغاز نموده، با کابل روابط صمیمانه قایم نموده و در حال ایجاد روابط نزدیکتر با طالبان می باشد. بعضاً این روابط تا حدی مشکل ساز بوده و عاری از مشکلات نبوده است. چنانچه، در عکس العمل به استقبال از هیأت دفتر سیاسی طالبان در ماه آگست سال ۲۰۱۹م، کابل هوشدار داد که اینگونه دعوت ها در آینده تلاش های صلح را مختل خواهد ساخت.^۱

دو روز بعد از آغاز مذاکرات صلح افغانستان در دوحه در ماه سپتمبر ۲۰۲۰، ملا غنی برادر، رئیس دفتر سیاسی طالبان به ازبکستان و سایر کشور های آسیای میانه در رابطه به تهدید ها فرا راه امنیت و منافع اقتصادی آن کشور ها اطمینان داد.^۲ وعده های طالبان بسیار مفصل بوده و در آن به حوادث مشخص اشاره گردیده و مستقیماً به ترس از گسترش ناامنی ها و خشونت های فرامرزی متمرکز بود. ملا برادر حتی وعده نموده که پیشنهاد ها در مورد انتقال محل گفتگو ها به سمرقند را نیز به دیده قدر مینگرد. در مقابل تاشکند به اعطای مشروعیت دپلماتیک به طالبان، که به مثابه یک روش به هدف کاهش خطرات ناشی از سناریو های احتمالی که ذیلاً مورد بحث قرار می گیرند پنداشته می شود، ادامه داده است.

قبل از استعمار آسیای میانه توسط روسیه در قرن نهم و «بازی بزرگ»، خارجی ها برای سالیان متمادی افغانستان و آسیای میانه را به مثابه یک حوزه واحد فرهنگی، مدنی و سیاسی می پنداشتند.^۱ تنش های جیوپولیتیک میان روسیه و امپراطوری انگلیس این روابط تاریخی را تا زمان ظهور رژیم کمونیستی افغانستان در سال های ۱۹۷۰ و تهاجم روسیه در دهه ۱۹۸۰ مختل ساخت. سقوط اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۹، آزادی پیهم کشور های آسیای میانه و جنگ های داخلی در افغانستان، یکبار دیگر منطقه را تقسیم بندی نمود: افغانستان به یک تهدید امنیتی مبدل گردید که کشور های آسیای میانه باید خود را در مقابل آن محافظت می نمودند.

از سال ۲۰۱۶م بدینسو، دیدگاه رئیس جمهور اشرف غنی در رابطه به مبدل نمودن افغانستان به «چارراه ترانزیتی» منطقه و پیشنهادات مشابه توسط شوکت میرضیایوف، رئیس جمهور ازبکستان، که برای نظریات واحد در رابطه به امنیت، ثبات و رفاه منطقوی دادخواهی می نماید، امکانات جدید برای تقابل میان این دو کشور و فراتر از آنرا بمیان آورده است. همچنان این فضای تقابل یک نقطه ورودی جدید را بخاطر تسهیل ادغام اقتصادی منطقوی عمیق تر برای اتحادیه اروپا پیشکش مینماید که نشانه های مهم علاقمندی امریکا برای خروج از افغانستان می باشند.

مذاکرات صلح ازبکستان و افغانستان:

سهیم نمودن تمام جوانب:

از سال ۲۰۱۶ بدینسو، رهبری ازبکستان و ابتکارات آن در پیشرفت گسترده آن

۱. پروژه «از ابهام تا استراتژی: گزینه های آینده سناریو های win-win در مجاورت افغانستان کدام ها اند؟» یک تلاش مستقلانه بنیاد فریدریش ایبرت برای تدوین و بحث روی سناریو های احتمالی برای همسایه های افغانستان، تعدیل پالیسی ها، و نیاز به یک استراتژی جامع در میان پالیسی سازان خارجی اروپائی می باشد. این خلاصه پالیسی بخشی از سریالی است که توسط تیمور شماران و اندریو وانکینز برای بحث روی تأثیرات خروج نیرو های امریکائی و مذاکرات جاری صلح در ابراز موجوده، منافع استراتژیک و چالش ها برای مراجع ذیدخل در داخل و خارج افغانستان، نوشته شده است. فهرست مکمل این خلاصه های پالیسی از آدرس ذیل قابل دسترسی می باشد: <http://www.afghanistan.fes.de/publications>.

۲. قشلق اووزی (۲۰۱۹)، «تجارب ازبکستان مشکلات ایجاد صلح در افغانستان»، رادیو آزادی اروپا، ۲۴ آگست ۲۰۱۹.

۳. امید هاشموف، (۲۰۲۰)، «فراتر از گفتگو های بین الافغانی، ازبکستان یک آینده روشن را می بیند»، دیپلمات، ۲۱ سپتمبر ۲۰۲۰.

فضای همکاری: منافع متمم

برای مشارکت و همکاری میان اتحادیه اروپا، ایالات متحده، ازبکستان و افغانستان فضای واقعی وجود دارد، تمام این کشورها بعوض رقابت با همدیگر همکاری می نمایند: همه جوانب در تلاش ایجاد زمینه های جدید برای حفظ ثبات منطقوی بوده و منتظر قطع احتمالی فعالیت های ایالات متحده/ناتو در افغانستان می باشند. بعد از کاهش نقش نظامی ایالات متحده در افغانستان در سال ۲۰۱۴م، دولت افغانستان تحت رهبری رئیس جمهور غنی برای ادغام اقتصادی و تجارت منطقوی تلاش نموده و با کشورهای ازبکستان، تاجکستان و ترکمنستان روابط کاری نزدیک ایجاد نموده است. امروز، این جهت یابی در میان ارزیابی روابط خارجی که جهت حصول اطمینان از بقای سیاسی کابل بزمیان آمده است از طرف ایالات متحده و اتحادیه اروپا نیز بشکل فعالانه تشویق می شود. برای اتحادیه اروپا، روش تشویق کننده منطقوی کابل با روابط مشترک سال ۲۰۱۹ میان اتحادیه اروپا و آسیای میانه که مشارکت برای انعطاف پذیری، سعادت و اتصال را وعده نموده است، هماهنگ می باشد.

توسعه همکاری های اقتصادی



تاشکند فرصت های گسترده اقتصادی و سیاسی را در افغانستان پیشینی مینماید، خاصاً بعد از تأمین صلح که با رویای بلند پروازانه آن برای تبدیل شدن به یک قدرت حاکم در آسیای میانه و فرا تر از آن گره خورده است. این حقیقت از پیشنهاد میزبانی گفتگو های بین الافغانی، که برای ازبکستان زمینه تبارز آن کشور را به مثابه یک قدرت آینده منطقوی و بلند بردن شناخت و اعتبار آن در سطح بین المللی و تأثیر گذاری بر سیاست افغانستان مساعد میسازد، هویدا است. تاشکند از قبل از قدرت اقتصادی با کشور همسایه خود برخوردار است: در سال ۲۰۱۹م، ارزش مجموعی صادرات ازبکستان به افغانستان از سرحد یک میلیارد دالر گذشت و احتمال میرود که این مبلغ الی سال ۲۰۲۴م تا سه برابر افزایش یابد. با توجه به زمینه مساعد روابط موجوده، امیدواری های ازبکستان و اهداف اتحادیه اروپا در آسیای میانه، اتحادیه اروپا میتواند به راحتی تعاملات مختلف منطقوی را در ابتکارات و گفتگو های آسیای میانه - افغانستان - آسیای جنوبی افزایش داده و تاشکند و کابل را به عین شکل کمک نماید.

Major international rail routes in Central Asia, 2019

Source: Martin Russell, "Connectivity in Central Asia, Reconnecting the Silk Road," EPRS | European Parliamentary Research Service, April 2019, accessed September 12, 2019.

تقویت همکاری های امنیتی

نظریه رئیس جمهور میرضیایوف در مورد امنیت منطقوی غیرقابل تقسیم، کنفرانس های امنیتی منطقوی سمرقند در سال ۲۰۱۷ و تاشکند در سال ۲۰۱۸ را هدایت کرد؛ کنفرانس اخیر کاملاً متمرکز بر افغانستان بود. برخلاف تلاش های روسیه برای اعمال نفوذ بر افغانستان، تعامل تاشکند منعکس کننده ارزیابی بدبینانه مسکو از روند صلح افغانستان و گریزناپذیری از بدترین سناریو سقوط دولت افغانستان نیست. در حقیقت، ازبکستان به دلیل عدم حضور نزدیک در مباحثات عمومی در مورد بدترین سناریوها در منطقه، حایز اهمیت است. در عوض، زبان دیپلماتیک آن منحصرأ بر مزایا و انگیزه های احتمالی «سود سهام صلح» متمرکز است. در مباحثات خصوصی، پالیسی سازان ازبک از فشار های روسیه برای نهادینه کردن سازمان پیمان عمومی امنیتی بیشتر انتقاد کرده اند، که به نظر آنها بیشتر یک موقف توسعه طلبانه است تا یک روش مؤثر برای مبارزه با تروریسم. آنها هراس دارند که روسیه نگران خارج شدن آسیای میانه از حیطه نفوذ آن بوده و ممکن در مورد تهدیدهای مربوط به بی ثباتی افغانستان مبالغه نمایند تا نیاز کشورهای آسیای میانه به اتکاء به کمک های امنیتی روسیه را افزایش دهند.

افراط گرایی مذهبی و رادیکالیزاسیون هنوز هم برای ازبکستان و آسیای میانه چالش های مهمی اند و رهبری این کشور نتوانسته از نتایج احتمالی جنگ افغانستان چشم پوشی کند. نیروهای بی ثبات کننده مانند شبکه حقانی،

در حالیکه تاشکند تشویق و تعامل با اتحادیه اروپا و ایالات متحده را می پذیرد، خود را به عنوان شریک منافع منطقوی چین نیز قرار می دهد - و قدرت های غربی باید این رویکرد چند جانبه دیپلوماسی و انکشافی آنرا بپذیرند. ازبکستان با داشتن چندین پروژه تحت کار راه آهن، امیدوار است به مثابه یک مرکز تجارتی برای کالا های روسی و چینی و به پیمان کم تر محصولات داخلی، عرض اندام نماید. راه آهن ملی ازبکستان اکنون از نقطه مرزی حیرتان به افغانستان فراتر رفته و این کشور را با شهر مهم و مرکز تجارتی مزارشریف وصل می نماید. برنامه ها برای گسترش این خط آهن تا شهر هرات در غرب افغانستان که هم مرز با ایران است وجود دارند که آسیای میانه را به بنادر خلیج فارس وصل می نماید. برعلاوه، اعمار راه آهن ازبکستان - قرقزستان - چین که ازبکستان در آن وعده کمک های مالی داده است نیز برای ازبکستان قدرت بیشتری را برای تأثیرگذاری بر دسترسی به آسیای جنوبی، ایران و آسیای میانه فراهم مینماید. همچنان اینکار به ازبکستان زمینه را مساعد میسازد تا با دسترسی به دهلیز های اصلی حمل و نقل بین المللی، منجمله بنادر چابهار در ایران و گوادر در پاکستان، اقتصاد صادرات و تعرفه گرا را تعقیب نماید.

دیدگاه تاشکند تنها در صورتی بدست میاید که جنگ در افغانستان به صورت مسالمت آمیز خاتمه یابد - که در شرایط امروزی، به معنای توافق صلح آمیز و پایدار بین کابل و طالبان می باشد. پالیسی سازان ازبک درک می کنند که یک افغانستان صلح آمیز می تواند منافع مشترک آنها را در توسعه و ساخت پروژه های چندین کشوری خطوط انرژی، راه آهن، پروژه های عمده اتصالی و سایر زیربناء ها تأمین کند.

القاعده، داعش و جنبش اسلامی ازبکستان (IMU) هنوز هم امنیت منطقه را به خطر مواجه می سازند. ازبکستان برای سال های متمادی، و حتی تعامل عمیق تر با طالبان، در قبال گروه های جهادی یک سیاست فعال را در پیش گرفته است. دولت ازبکستان قبلاً ابراز تمایل برای تعامل و حتی آشتی احتمالی با جنگجویان IMU و داعش در افغانستان و سوریه را اعلام نموده و آنها را تشویق می کند تا به کشورهای اصلی خود بازگردند. همین نگرش اساس رویکرد تاشکند به روند صلح افغانستان را تشکیل میدهد: ازبکستان مایل است نه تنها شاهد ادغام مجدد جنگجویان سابق طالبان در جوامع شان باشد بلکه میخواهد باعث نظامی زدائی گسترده و کنترل اسلحه سبک در افغانستان شود.

باید نتایج این سیاست های جدید، ادغام گرا و خوش بینانه به مشاهده برسد. نکته قابل توجه اینست که رویکرد تاشکند فراتر از تمرکز بر کنترل مرزها و مبارزه با تروریسم است که سایر کشورهای آسیای میانه را تحت نظارت امنیتی روسیه تعریف می کند. اتحادیه اروپا می تواند این استراتژی را به طور گسترده تری در سراسر منطقه تقویت نماید. طوریکه قبلاً تذکر یافت، مشخص نیست که ازبکستان تا چه حد آماده پذیرش بدترین سناریوهای است که ممکن پس از عقب نشینی نظامی ایالات متحده و ناتو یا فرسایش احتمالی حمایت بین المللی از دولت افغانستان، درین کشور رخ دهد. آنچه واضح است این است که تاشکند از حدس و گمان های عمومی در مورد بسیاری از نگرانی های که سایر کشورها فعالانه در مورد آن بحث می کنند، اجتناب نموده است.

پیشنهادات

- اتحادیه اروپا و ازبکستان می توانند برای تقویت ثبات پایدار در افغانستان همکاری موثرتری داشته باشند. آنها می توانند بر اساس منافع مشترک خود و تعامل با روند صلح افغانستان نیازها و نگرانی های دراز مدت را بررسی نمایند. با توجه به نقش تعیین کننده آن در حمایت از افغانستان و دیپلماسی منطقوی، اتحادیه اروپا برای تقویت روابط میان مجامع و ابتکارات آسیای میانه و آسیای جنوبی از موقعیت مناسبی برخوردار است.
- با استفاده از چندین تشکیل دیپلماتیک منطقوی از قبل موجود، ایالات متحده و اتحادیه اروپا باید کشورها را برای ادغام اقتصادی و «همکاری های بین منطقوی» در موضوعات تأثیرگذار بر آسیای میانه، منجمله تغییرات اقلیمی و پیامدهای کووید-۱۹، برای انکشاف و امنیت منطقوی تشویق و ترغیب نمایند. این تشکیلات دیپلماتیک باید از بحث و گفتگو فراتر رفته و در نهایت یک مکانیزم مشترک را برای تشویق به اجرای دقیق اهداف مشترک معرفی نماید. در یک گام مثبت، کشورهای آسیای میانه قبلاً از افغانستان دعوت کرده اند که در گفتگو های سیاسی و امنیتی در سطح بلند اتحادیه اروپا و آسیای میانه (HLPSSD) نقش خود را از یک مهمان و ناظر به یک شرکت کننده تمام عیار ارتقا دهد.^۴
- در حال حاضر، کشورهای آسیای میانه بر سر مسیرهای تجاری، خطوط آهن و انرژی برای کسب علاقه سرمایه گذاران با یکدیگر رقابت دارند. استراتژی اتحادیه اروپا در مورد آسیای میانه و افغانستان باید بر تحولات مثبت اخیر استوار بوده و با فشار بر «اتصال بین منطقوی» فرصت های جدید را انعکاس دهد. لازم است تا افغانستان در این برنامه ریزی دراز مدت گنجاینده شود و از این ابتکارات بهره مند شود.
- برنامه تاشکند برای تدویر یک کنفرانس منطقوی در مورد اتصال در سال آینده (به عنوان پیگیری کنفرانس اتصال EU - CA بخارست در سال ۲۰۱۹) یک فرصت عالی برای پیشرفت مباحثات در مورد همکاری ها می باشد. اتحادیه اروپا باید حصول اطمینان نماید که مسائل اضافی، مانند زیربنای های فیزیکی، مدیریت منسجم مرزها و پروژه های سه جانبه برای آموزش افغان ها در موسسات آموزشی آسیای میانه (با تمرکز ویژه بر زنان) را در مطابقت با استراتژی جدید اتحادیه اروپا در مورد آسیای میانه در اجندای کاری خود خواهد داد.

۴- این تشکیلات منطقوی بالای سه ساحه کلیدی برای همکاری ها متمرکز بوده اند: امنیت، مبارزه با خشونت ها و همکاری های اقتصادی

درباره نویسندگان

چاپ © ۲۰۲۱ بنیاد فریدریش ایبرت در افغانستان

وبسایت: www.afghanistan.fes.de

بدون اجازه کتبی بنیاد فریدریش ایبرت هر گونه استفاده تجارتي از نشریات منتشر شده بنیاد فریدریش ایبرت، مجاز نیست.

نظریات ارائه شده در این نشریه، لزوماً بازتاب دهنده نظریات بنیاد فریدریش ایبرت نمی باشد.

اندريو واتکینز، محقق و تحلیلگر منازعات و چشم اندازهای صلح افغانستان و به شدت در جلوگیری از منازعات دخیل است. وی پیش از این در افغانستان برای سازمان ملل، نهاد های بشردوستانه، دولت ایالات متحده و به عنوان یک محقق مستقل کار کرده است.

داکتر تیمور شاران استاد الحاقی پالیسی عمامه در دانشگاه امریکایی افغانستان است و پیش از این تحلیلگر ارشد گروه بحران بین المللی در افغانستان بوده است.

درباره عکس روی جلد:

سربازان ازبکستان به سمت پل دوستی در خارج از شهر جنوبی ترمز، ۱۲ دسامبر ۲۰۰۱.

تصویر: ریوترز / شمیل زوماتوواس